

PDF VERSION BY



ParsTech

2007

www.parstech.org



اُحْسَد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹
اح

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

مکه و مدینه - بقیع - احد - مسجد النبی / مرکز
تحقیقات حج. - تهران: مشعر. ۱۳۸۱.
۱۲۰ ص.

ISBN 964-7635-11-7: ۵۵۰۰ ریال

شهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. مکه -- آثار تاریخی. ۲. مدینه -- آثار
تاریخی. ۳. زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی
-- مکه. ۴. زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی
-- مدینه. ۵. مسجد النبی -- مدینه. ۶. بقیع.
۷. غزوه احد. ۸. الف. حوزه نمایندگی ولی فقیه در
امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات.

۹۵۳/۸

DS۲۱۱/م۲۳

۱۲۷۶۱-۸۱م

کتابخانه ملی ایران

نام دوره: مکه و مدینه، مسجد النبی، بقیع، احد

تدوین: مرکز تحقیقات حج

ناشر: نشر مشعر

لیتوگرافی: چنگ

چاپ و صحافی: دانش پژوه

نوبت چاپ:

شمارگان: ۲۰۰۰۰ دوره

شابک: ۹۶۴-۷۶۳۵-۱۱-۷

ISBN: 964-7635-11-7

أحد

أحد نام مجموعه‌ای از کوه‌های بزرگ و کوچک در شمال مدینه است که حدود ۶۰۰۰ متر طول دارد. این کوه از شرق به غرب کشیده شده و فاصله آن تا مسجد نبوی پنج و نیم کیلومتر می‌باشد.

رنگ عمومی آن قرمز متمایل به قهوه‌ای است. حدفاصل شهر مدینه و کوه أحد در گذشته به صورت دشتی مسطح و عموماً غیر مسکونی و تنها در چند نقطه مزروعی بوده است. اما امروزه به علت گسترش شهر، دشتی که می‌توانست بسیاری از اسناد تاریخی مربوط به تاریخ مدینه و تجاوز قریشیان به مدینه را نشان دهد، به مرور زمان در لابلای ساختمان‌ها به فراموشی سپرده شده است.

پیامبر ﷺ درباره این کوه فرموده است:

«هَذَا جَبَلُ أَحَدٍ يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ»؛ «این کوه أحد، ما را

دوست دارد و ما هم آن را دوست داریم.»

در جنوب احد، کوه کوچکی قرار دارد به نام کوه رمات یا عینین و این همان تپه‌ای است که رسول خدا ﷺ تیراندازان را در جنگ احد بر روی آن مستقر ساخت و از آن جهت که در دامنه شمالی آن، دو چشمه آب وجود دارد، آن را عینین و یا عینان نیز خوانده‌اند.

غزوه احد

پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و احتمال بسته شدن راه بازرگانی مردم مکه از طریق مدینه و عراق، مشرکان را سخت برآشفته ساخت و آنان به فکر تلافی و انتقام افتادند. صفوان بن أمیه و عکرمه بن ابی جهل به ابوسفیان پیشنهاد دادند که قریشیان هزینه جنگ را به عهده بگیرند و وی نیز موافقت کرد و در نتیجه با جمع آوری نیروهای قوی رزمی و فراهم آوردن امکانات تسلیحاتی و مالی به سوی مدینه آمدند. عباس عموی پیامبر ﷺ که تا آن زمان در مکه بود، با ارسال نامه‌ای رسول خدا ﷺ را از این توطئه آگاه ساخت.

پیامبر ﷺ دو نفر نیروی اطلاعاتی به اطراف مدینه اعزام، و موقعیت قریشیان را شناسایی کرد. دشمن روز

پنج‌شنبه پنجم شوال سال سوم هجرت از ناحیه وادی عقیق در شمال مدینه وارد منطقه احد شد و آنجا مستقر گردید. لازم به تذکر است که مکه در ناحیه جنوب مدینه قرار گرفته و دلیل این که دشمن از شمال وارد مدینه شده، این بود که در دره طولانی و بزرگ وادی القری که راه بازرگانی شام را به یمن متصل می‌ساخت، هر قسمتی که امکانات زندگی وجود داشت قبائلی از عرب و یهود سکونت گزیده اطراف خود را با سنگ محصور ساخته بودند، از سوی دیگر مدینه از سه طرف به شکل نعل اسب در محاصره کوه‌ها و مناطق سنگلاخی قرار گرفته و در نتیجه ارتش دشمن ناچار بود مدینه را از جنوب به سمت شمال دور زده و از ناحیه شمال مدینه که زمینی هموار داشته و نخلستان هم در آن جان بود و از این رو برای جنگ مناسب به نظر می‌رسید وارد شود.

رسول خدا ﷺ پس از مشورت با اصحاب تصمیم گرفت از شهر خارج شود، لذا روز جمعه پس از اقامه نماز جمعه، با لشکری بالغ بر یک هزار نفر از مدینه به سمت احد حرکت کرد و کوتاه‌ترین راه را انتخاب نمود و خود نیز زره پوشید. در ارتش رسول خدا ﷺ از جوان ۱۵ ساله تا پیر مرد سالخورده وجود داشت.

بامداد روز هفتم شوال سال سوم هجرت، نیروهای اسلام در برابر نیروهای مهاجم و متجاوز قریش صف آرایی کردند. رسول خدا ﷺ اردوگاه لشکر خود را به گونه‌ای قرارداد که از پشت سر به یک مانع طبیعی؛ یعنی کوه احد محدود می‌گشت و در سمت چپ لشکر نیز کوه کوچکی به نام «عینین» که بعداً جبل الرماة لقب گرفت قرار داشت که از بالای آن تمامی دشت اطراف را می‌توانست زیر نظر داشته باشد و مدینه نیز پیش روی قرار گرفت. سپس رسول خدا ﷺ عبدالله بن جبر را با حدود ۵۰ تیرانداز بر روی تپه مستقر ساخته، فرمود:

شما با پرتاب کردن تیر، دشمن را برانید و نگذارید از پشت سر وارد جبهه مسلمانان شده، ما را غافلگیر کنند. ما در نبرد غالب باشیم یا مغلوب، شما این نقطه را خالی نگذارید. دستور مؤکد پیامبر به تیراندازان که از جای خود هرگز حرکت نکنند، حاکی از اطلاع کامل آن حضرت از اصول نظامی بود. سپس برای ارتشیان خطبه خواند و آنها را منظم کرد.

ارتش قریش

ابوسفیان نیز لشکریان قریش را که بیش از سه هزار نفر

بودند به چند قسمت تقسیم کرد:

- ۱- پیاده نظام زره پوش را در وسط قرار داد.
- ۲- گروهی را به فرماندهی خالد بن ولید در سمت راست گذاشت.
- ۳- دسته‌ای را به فرماندهی عکرمه در سمت چپ گمارد.
- ۴- گروهی را نیز، که پرچمداران آنها بودند پیشاپیش ارتش قرار داد.

آغاز نبرد

جنگ به وسیله ابو عامر که از فراریان مدینه بود آغاز شد. او از قبیله «اوس» بود که بر اثر مخالفت با اسلام از مدینه به مکه پناهنده شده بود.

پیروزی

چیزی نگذشت که در پرتو جانبازی سرداران رشید اسلام؛ مانند علی بن ابی طالب علیه السلام، حمزه عموی پیامبر، ابودجانه و مصعب، لشکر قریش اسلحه و غنایم خود را زمین نهاده و با فضاحت عجیبی پا به فرار گذاردند.

در گرما گرم جنگ هرگاه دشمن می خواست، لشکر

اسلام را دور زده و از پشت به آنان حمله کند، تیراندازان مستقر در جبل عینین آنان را با تیر زده، دور می کردند لیکن با شکست دشمن متأسفانه، مسلمانان سلاح بر زمین نهاده، به جمع آوری غنایم مشغول شدند و به گمان خود کار را خاتمه یافته تصور می کردند. نگهبانان نیز جز ده نفر از آنان بقیه فرصت را مغنم دانسته با مخالفت با فرمانده خود از جبل الرمات پایین آمده به جمع آوری غنیمت پرداختند. دشمن که چنین دید، از کمی نگهبانان سوء استفاده کرده با یک حمله چرخشی، تیراندازان باقی مانده را از پای درآورد و از پشت سر به مسلمانان حمله کرد. خالد ابن ولید و عکرمه بن ابی جهل پس از تصرف نقاط حساس، فراریان خویش را به کمک طلبیدند و چیزی نگذشت که بر اثر از هم پاشیدگی صفوف مسلمانان، ارتش فریش بازگشته و از پیش رو و از پشت سر، سربازان اسلام را محاصره کردند و نبرد مجدداً آغاز شد.

شکست مسلمانان

در این هنگام، وضعیت عجیبی در ارتش اسلام به وجود آمد، گروهی به صورت دسته های پراکنده به دفاع از خود و رسول خدا ﷺ پرداختند، گروهی پا به فرار گذاشتند

و طولی نکشید که تلفات سنگینی بر مسلمانان وارد آمد و به ناگاه خبری به دروغ منتشر شد که:

«أَلَا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ؟» «هان! ای مردم، محمد کشته شد.»

این خبر روحیه دشمن را تقویت و روحیه گروهی از مسلمانان را تضعیف نمود و کار بر مسلمانان دشوارتر شد، پیامبر که خود پیشانی اش زخم برداشته و دندانش شکسته بود با استقامتی بی نظیر از حریم اسلام دفاع می کرد. علی علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله در میدان نبرد، نزدیک ترین فرد به دشمن بود و هر موقع کار جنگ سخت تر می شد ما را پناه می داد. مدافعان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چند نفر بیشتر نبودند.

علی بن ابی طالب علیه السلام با تمام وجود گرداگرد رسول خدا صلی الله علیه و آله می چرخید و با شمشیرش دشمنان را به کام مرگ می فرستاد و از آن حضرت دفاع می کرد. علی علیه السلام خود فرموده است: هنگامی که ارتش قریش به سوی ما حمله آوردند، انصار و مهاجر راه خانه خود را گرفتند و من با هفتاد زخم از وجود آن حضرت دفاع کردم، سپس آن حضرت قبا را کنار زد و دست روی مواضع زخم که نشانه های آن باقی بود کشید. علی بن ابی طالب علیه السلام آن چنان

جنگید که شمشیرش شکست و این ندا در فضا پیچید:
 «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا قَتَى إِلَّا عَلِيٌّ»

«شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی چون علی نیست.»
 ابن هشام تعداد کشته شدگان دشمن را ۲۲ نفر ذکر می کند
 که ۱۲ نفر آنها به دست علی بن ابی طالب به هلاکت رسیدند.
 حمزه عموی پیامبر، ابودجانه، امّ عامر که نام وی نسبه
 بود و... از دیگر کسانی بودند که در اطراف رسول خدا ﷺ
 از آن حضرت دفاع می کردند.

نتیجه کار:

جانبازی و فداکاری علی بن ابی طالب ﷺ و دیگر یاران
 رسول خدا ﷺ سبب شد که آن حضرت از خطر قطعی
 نجات یافت. پیامبر و همراهان آرام آرام به داخل شعب
 احد آمدند. مسلمانانی هم که در آن اطراف بودند از این که
 پیامبر ﷺ را زنده دیدند خوشحال شده، خود را در پیشگاه
 ایشان شرمند یافتند.

علی بن ابی طالب ﷺ سپر خود را پر از آب کرد و
 رسول خدا ﷺ سر و صورت خود را شست و این جمله را
 فرمود: خشم خدا بر ملتی که صورت پیامبر خود را خون
 آلود ساختند.

هنگام نماز ظهر و عصر رسید، پیامبر ﷺ بر اثر ضعف مفرط نماز را نشسته خواندند و دیگران نیز اقتدا کردند. دشمن نیز سر مست پیروزی صحنه جنگ را ترک کرده، به سوی مکه حرکت کرد.

مسلمانان بیش از سه برابر قریش کشته دادند. دشمنان برخی از جنازه‌های شهیدان را مثله کردند؛ یعنی گوش و بینی آنان را بریدند و در نتیجه صحنه دلخراشی بر میدان نبرد حاکم شد.

پیامبر ﷺ همراه با دیگر مسلمانان وارد میدان نبرد شدند، تا حدود هفتاد شهید را به خاک سپارند. وقتی چشم آن حضرت بر پیکر مثله شده حمزه افتاد بسیار متأثر و منقلب شد. سرانجام رسول خدا ﷺ بر پیکر شهیدان نماز گزارد و آنان را یک یک و یا دو تا دو تا به خاک سپرد.

به هنگام غروب آفتاب، پیامبر ﷺ و یاران باقیمانده، در حالی که از خانه‌های بسیاری در مدینه ناله مادران داغ دیده و همسران شوهر از دست داده بلند بود به مدینه بازگشت.

منافقان و یهودیان مدینه از این شکست بسیار خشنود شدند و احتمال آن وجود داشت که دشمنان داخلی نیز به فکر ایجاد مزاحمت برای مسلمانان برآیند. رسول خدا ﷺ در چنین وضعیت حساس از طرف خداوند مأمور شد تا

فردای همان شب دشمن را تعقیب نماید. منادی پیامبر خبر را به مردم رساند و در شهر جار زد و فرمود تنها کسانی همراه ما بیایند که در جنگ احد شرکت داشتند. رسول خدا ﷺ همراه با لشکریان خود حرکت کرده در هشت میلی مدینه در منطقه‌ای به نام «حَمراء الأسد» فرود آمد و شب هنگام دستور داد تا در تمام نقاط بیابان آتش روشن کنند تا دشمن تصور کند که قدرت و نیروهای جنگنده آنها بیش از تعدادی است که در احد بوده است. به هر حال آمدن پیامبر و استفاده از ابزار مختلف، ابوسفیان و لشکریان او را که تصمیم گرفته بودند دوباره به مدینه حمله کنند مأیوس ساخت و از فکر حمله بازداشت. سرانجام نبرد احد با تقدیم هفتاد یا هفتاد و چهار و به قولی هشتاد و یک شهید پایان یافت و مادر این جابه نقل از سیره ابن هشام به هفتاد و چهار تن از شهدای احد اشاره می‌کنیم.

شهدای احد

۱- حمزة بن عبدالمطلب

حمزه عموی پیامبر اسلام. او از شجاعان عرب بود و در جنگ بدر شرکت داشت و شبیه قهرمان قریش و تعداد

دیگری از آنان را از پای درآورد. وی در جنگ احد نیز فداکاری‌های بسیار نمود و سرانجام توسط «وحشی» به شهادت رسید. پس از شهادتش، هند همسر ابوسفیان سینه حمزه را شکافت و جگر او را بیرون آورد و زیر دندانهایش گذاشت، و نیز جنازه‌اش را مثله کردند. پیامبر ﷺ با دیدن این منظره به شدت گریست و عباى خود را روی او انداخت.



حمزه را اسدالله، اسد رسول الله و سید الشهداء لقب دادند.

۲ - حنظله غسیل الملائکه

حنظله فرزند ابی عامر است. پدرش از دشمنان پیامبر و از عناصر بدخواه اسلام و از پایه گذاران مسجد ضرار بود،

لیکن حنظلہ مسلمانی شایسته و با فضیلت بود، شبی که فردای آن جنگ احد اتفاق افتاد مراسم عروسی حنظلہ برگزار شد، پس از رسیدن دستور جهاد، از پیامبر ﷺ یک شب را اجازه گرفته، روز بعد به میدان نبرد آمد و با رشادت کامل شمشیری به طرف ابوسفیان رها کرد لیکن به او اصابت ننمود و سپس بر اثر نیزه دشمن از پای درآمد و در سن حدود ۲۴ سالگی به شهادت رسید. پیامبر گرامی فرمود: من مشاهده کردم که فرشتگان حنظلہ را غسل می دادند و از این رو به «حنظلۃ غسیل الملائک» معروف شد.

۳. عمرو بن جموح

وی چهار پسر خود را برای دفاع از اسلام به جبهه فرستاد و با این که خویشاوندانش او را از شرکت در جنگ منع می کردند و پای او نیز لنگ بود و جهاد از او برداشته



شده بود، در عین حال خدمت رسول خدا ﷺ آمد و آرزوی شهادت کرد. پیامبر فرمود: خدا تو را معذور داشته است، لیکن او اصرار کرد و سرانجام پیامبر اجازه داد. موقع بیرون آمدن دعا می کرد: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ وَ لَا تُرِدَّنِي إِلَى أَهْلِي»؛ «خدایا! توفیق ده در راه تو کشته شوم و به خانه باز نگردم.» سرانجام وی در نبردی قهرمانانه به شهادت رسید.

۴ - مصعب بن عمیر

وی از اشراف زادگان مکه بود که به پیامبر ﷺ ایمان آورد. در سال دوازدهم بعثت با آن حضرت بیعت کرد و از سوی رسول خدا ﷺ به عنوان مبلغ به مدینه اعزام شد و توانست گروه بسیاری از مردم مدینه را به اسلام دعوت کند. قد و قامتی چونان پیامبر ﷺ داشت و تا لحظه شهادت در سن ۴۲ سالگی به اسلام و رسول خدا ﷺ وفادار بود.

۵ - عبدالله بن جحش

عبدالله در مکه به پیامبر ایمان آورد، به حبشه هجرت کرد، سپس به مدینه مهاجرت نمود، خواهرش زینب بنت جحش است که به همسری رسول خدا ﷺ درآمد. وی در

حالی که بیش از چهل سال نداشت، در احد به شهادت رسید.

۶. شَمَّاس بن عثمان

وی از مهاجران به حبشه و مدینه و از مجاهدان بدر و احد بود. در احد مجروح شد و او را به خانه رسول خدا ﷺ آوردند. لیکن مداوا مؤثر واقع نشد و به شهادت رسید. پیامبر دستور داد جنازه او را به احد برگردانده، در کنار دیگر شهدا دفن کردند. شماس هنگام شهادت ۳۴ سال بیشتر نداشت.

۷ - عمرو بن مُعَاذ

۸ - حارث بن انس

۹ - عُمَارَةُ بن زیاد

۱۰ - سَلَمَةُ بن ثابت

۱۱ - عمرو بن ثابت بن وَقْش

۱۲ - ثابت بن وَقْش

۱۳ - رِفَاعَةُ بن وقش

۱۴ - حَسِيل بن جابر

۱۵ - ابو حذیفه یمان

۱۶ - صیفی بن قبیضی

- ۱۷ - حَبَاب بن قِیْظی
- ۱۸ - عَبَاد بن سَهْل
- ۱۹ - حَارِث بن أَوْس بن معاذ
- ۲۰ - إِيَّاس بن أَوْس
- ۲۱ - عُيَيْد بن تَيْهَان
- ۲۲ - حَبِيب بن یزید
- ۲۳ - یزید بن حاطب
- ۲۴ - ابوسفیان بن حارث
- ۲۵ - قِیس بن زبیده
- ۲۶ - مَالِک بن أُمّه
- ۲۷ - أُنَیس بن قَتَادَه
- ۲۸ - ابوحَیَّه بن عمرو
- ۲۹ - عبد الله بن جبیر (فرمانده تیراندازان در تپه رمات)
- ۳۰ - خِیْثَمَه بن خِیْثَمَه
- ۳۱ - عبد الله بن سَلْمَه
- ۳۲ - سُبَیْع بن حاطب
- ۳۳ - عمرو بن قِیس
- ۳۴ - قِیس بن عمرو
- ۳۵ - ثَابِت بن عمرو
- ۳۶ - عَامِر بن مَخْلَد

- ۳۷ - مالک بن ایاس
 ۳۸ - ابوهبيرة بن حارث
 ۳۹ - عمرو بن مُطرف
 ۴۰ - اوس بن ثابت (برادر حسان بن ثابت)
 ۴۱ - انس بن نَضْر
 ۴۲ - قيس بن مَخْلَد
 ۴۳ - سليم بن حارث
 ۴۴ - نعمان بن عبد عمرو
 ۴۵ - خارجه بن زيد
 ۴۶ - سعد بن ربيع
 ۴۷ - اوس بن ارقم
 ۴۸ - مالک بن سنان (پدر ابوسعید خدری)
 ۴۹ - سعید بن سُؤید
 ۵۰ - عتبة بن ربيع
 ۵۱ - ثعلبة بن سعد
 ۵۲ - ثقف بن قُروة
 ۵۳ - عبد الله بن عمرو
 ۵۴ - ضَمْره
 ۵۵ - نُوْفَل بن عبد الله
 ۵۶ - عباس بن عباده

- ٥٧ - نعمان بن مالك
- ٥٨ - مجذّر بن ذِياد بَلَوِي
- ٥٩ - عبادة بن الحساس
- ٦٠ - رفاعَة بن عمرو
- ٦١ - عبد الله بن عمرو بن حرام
- ٦٢ - عمرو بن جَمُوح
- ٦٣ - خلاد بن عمرو بن جَمُوح
- ٦٤ - ابو ايمن
- ٦٥ - سليم بن عمرو
- ٦٦ - عنتره
- ٦٧ - سهل بن قيس
- ٦٨ - ذَكْوَان بن عبد قيس
- ٦٩ - عبيد بن معلى
- ٧٠ - مالك بن ثميله
- ٧١ - حارث بن عدي
- ٧٢ - اياس
- ٧٣ - اياس بن عدي
- ٧٤ - عمرو بن اياس

فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای احد

حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس مرا زیارت کند و عمویم حمزه را زیارت نماید، بر من جفا کرده است». شیخ مفید رحمه نقل کرده که پیغمبر ﷺ به زیارت قبر حمزه امر می کرد و به زیارت ایشان و شهدا اهتمام داشت. حضرت فاطمه رحمه پس از رحلت رسول خدا ﷺ بر زیارت قبر آن بزرگوار مواظبت می نمود. هر گاه به زیارت آن حضرت رفتی نزد قبرش می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مَتَّعِوْذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ

مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلُ
بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَّتِي، فَقَدْ
سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُوناً، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوباً، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي
عِنْدَكَ بَاكِئاً، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِداً، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ
بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي
لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَاللَّهْمَّ نِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ
عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّيَكُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ
أَتَيْكُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَيْكُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ غَادَيْكُمْ».

در زیارت دیگر شهدای جنگ احد که در همان جا

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ
عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ
لِدِينِهِ، وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ
فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ،

وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ
رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ
أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ،
وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ،
وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ
قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ
التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا،
وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ، وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا،
فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ
اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَتَبَيَّنِي
عَلَى قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي
وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ،
وَنَحْنُ بِكُمْ لِأَحِقُونَ».

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت



شابک: ۹۶۴-۷۶۳۵-۱۱-۷

ISBN: 964-7635-11-7

دوره: ۵۵۰ تومان